

تبیین و تحلیل دست‌یابی به اغراض ثانوی کلام (مطالعه موردی: تشبیه تمثیلی آیات قرآن)

لیلا علیمرادی^۱

صفدر شاکر^۲

ابراهیم زارعی فر^۳

چکیده

علم معانی که که عمده مباحث آن سخن بلیغ است، به گستره‌ای از ظریف‌ترین شیوه‌های زیبایی‌شناختی کلام و تأثیر آن اطلاق می‌شود از جمله قابلیت‌های زبانی این علم که به مقتضای حال و مقام بیان می‌شود تا سخن را مؤثرتر جلوه دهد، اغراض ثانوی کلام خبری و انشایی است که در کتاب‌های بلاغی ضمن بحث کلام خبری و انشایی به برخی از مقاصد ثانوی این نوع از کلام که در حیطه معانی مجازی آن است پرداخته‌اند؛ نظر به اهمیت این بحث و نقش آن در بررسی و درک بهتر کلام و فواید آن در فن سخنوری، زبان‌شناسی، نقد ادبی، دستور زبان و... که به نوعی همگی به علم معانی مربوط می‌شوند، ضرورت می‌یابد که در این خصوص، به موارد چندی که در درک و رهیابی به معانی و اغراض ثانوی کلام مؤثرند، اشاره شود. برای این منظور، داده‌های مورد نظر در این پژوهش، جمله‌های تمثیلی کلام الهی است، تا با تحقیق و بررسی آن به مواردی از نشانه‌های دست‌یابی به معانی ثانوی کلام راه یافته شود. نتایج حاصل نشان از آن دارد که، جایگاه و اهمیت موارد چندی هم‌چون: مبتدا، مخاطب، گوینده، صنایع بدیعی و بیانی و موسیقی کلام، تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها و... در فهم معانی و اغراض ثانوی کلام می‌تواند مؤثر باشد.

کلید واژه‌ها: علم معانی، اغراض ثانوی، کلام تمثیلی قرآن، نقد و بررسی

^۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران (نویسنده مسئول).

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

^۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

مقدمه

بلاغت و شیوایی سخن همواره در هر زبانی و زمانی توجه انسان را به خود جلب کرده است. جمله‌های متفاوت با لحن‌های مختلف در معانی گوناگون در گفتارها و نوشتارهای ما بیانگر ذوق هنری گوینده و نمایانگر جایگاه علوم بلاغی در گستره زبان از دوره‌های گذشته تاکنون است. بلاغت فارسی برگرفته از بلاغت عربی و نمونه بارز آن بلاغت قرآنی است. سخن گفتن به مقتضای حال و مقام و تأثیرگذاری هر چه بیشتر آن، گامی مؤثر در تبیین اصولی دانش معانی در نوشته‌ها و گفته‌هاست. علم معانی، علم به اصول و قواعدی است که به یاری آنها کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود (تفتازانی، ۱۳۱۰: ۳۷ و همایی، ۱۳۷۳: ۲۱). موضوع آن الفاظی است که رساننده مقصود متکلم باشد و فایده آن آگاهی بر اسرار بلاغت است. علم معانی به موارد مختلفی از جنبه‌های بلاغی کلام می‌پردازد که یکی از آن موارد اغراض ثانوی جمله‌های خبری و انشایی است. «کلماتی که محل توجه اهل بلاغت باشد همواره دو معنی در بردارد یکی معنی لغوی که معنی اصلی کلام است و دیگری معانی که متکلم در نظر گرفته و کلام را به دلیل افاده آن یعنی بر لطایف و خصوصیتی که متناسب با مقتضای حال باشد مشتمل گرداند این معنی را نظر به این که مدلول کلام در مرتبه ثانی است معنی دوم گویند» (رجایی، ۱۳۴۰: ۲۱). تشبیه تمثیلی یکی از زیباترین و هنری‌ترین صورخیال در ادب فارسی است؛ بر همین اساس چگونگی بیان و توجه به معانی ثانوی کلام را در تشبیه‌های تمثیلی آیه-های قرآن بررسی و جنبه‌های مختلف دست‌رسی به اغراض ثانوی آن بررسی شده است. کلام تمثیلی آیات قرآن خود برای القای مقصود گوینده از چندین جمله تشکیل شده‌اند و بر روی هم معنایی واحد را به ذهن می‌رسانند، برای شناساندن رهیابی به معانی ثانوی کلام همه جمله‌ها در نظر داشتیم نه تنها خود جمله تمثیل. در کتب باارزش علم معانی، بزرگان علم و ادب معانی گوناگونی را برای جمله‌ها از جنبه اغراض ثانوی آن در نظر گرفته‌اند اما راه دست‌یابی آن و چگونگی توجه به آن مورد بررسی واقع نشده

است. در این پژوهش برآنیم تا با توجه به سیاق کلام و توجه به ویژگی‌های خاص در جمله به معانی ثانوی کلام توجه و دست‌یابی این مهم را آسان‌تر و راحت‌تر نشان دهیم.

پرسش‌های پژوهش

در این نوشتار کوشش شده‌است تا با توجه به سیاق جمله و مواردی از کلام دستیابی به فهم معانی ثانوی تحلیل شود و کارکردها و اهمیت آن تبیین شود تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- اهمیت معانی ثانوی کلام در چیست؟
- ۲- چه ساختارهایی از کلام در درک معانی ثانوی دخیلند؟
- ۳- ظاهر و باطن کلام تا چه اندازه می‌تواند در ره‌یابی به معانی ثانوی دخیل باشد؟

پیشینه پژوهش

در توجه به معانی ثانوی کلام و اهمیت آن در کتاب‌های بلاغی و منابعی که در این مورد است بسیار پراهمیت جلوه داده‌اند و از گذشته‌های دور تاکنون در خصوص معانی ثانوی کلام در جمله‌ها به‌ویژه کلام شعری، پژوهش‌ها و مقاله‌های بی‌شماری انجام گرفته است؛ اما در زمینه راه‌یابی و دست‌یابی به معانی ثانوی کلام، تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. و تنها پژوهشی که مبحثی از آن به نقد معانی ثانوی در کتب معانی پرداخته است، نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشا در علم معانی از دکتر فاطمه جمالی (۱۳۹۵) است که در مجله بلاغت کاربردی و نقد بلاغی چاپ شده است.

لازم به ذکر است پژوهش حاضر، مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است که در ضمن موارد مبتنی بر فهم اغراض ثانوی، ابتدا درباره آن توضیحی داده می‌شود و سپس آیه‌هایی تمثیلی از قرآن به همراه ترجمه آن از مفسران بزرگ، بر مبنای سیاق ظاهری و باطنی کلام در درک معانی ثانوی آن بررسی می‌شود.

بحث و بررسی

معانی ثانوی کلام چنان‌که همایی نیز آن را با عنوان «معانی مجازی جمله» (همایی، ۱۳۷۳: ۹۷). یاد می‌کند در حیطة معانی مجازی است. بزرگان علم بلاغت قدیم در اسناد خبری و انشایی از این ویژگی علم معانی بهره برده‌اند و مخاطب را از اهمیت کاربرد تأثیرگذار این بحث مهم بلاغی آگاه ساخته‌اند چنان‌که عبدالقادر جرجانی فصاحت و بلاغت را «مبتنی بر معنی می‌داند نه لفظ» (جرجانی، ۱۳۶۸: ۳۰۹) علم معانی در بسیاری از مباحث با دانش زبان‌شناسی صورت‌گرا و ساخت‌گرا و در نهایت سبک‌شناسی زبان‌شناختی مشابهت‌های فراوانی دارد با بررسی در آثار بلاغیون به نشانه‌هایی از نقد و تحلیل ادبی مشابه با نظریه‌های مختلف زبان‌شناسی و نقد ادبی معاصر در آثارشان برمی‌خوریم که بیانگر ارتباط زیاد علم زبان‌شناسی، معنی‌شناسی و نقد ادبی با دانش علم معانی در جنبه‌های گوناگون است. هم‌چنین شاخه‌هایی «کاربرد شناسی، یا منظور شناسی زبان»، نظریه «کارگفت یا کنش‌های گفتاری» و «معناشناسی» که در تبیین معانی دوم کلام بنا شده‌اند علم کاربرد شناسی (Peragmatic)، مطالعه معنای غیر قابل رویت است معنایی که شنونده قادر به شناسایی آن بوده و از طریق بافت تعبیر می‌شود «مسأله اصلی مطرح در این حوزه آن است که چگونه شنونده برای فهم منظور گوینده به استنباط‌هایی از کلام وی دست می‌زند و چگونه بخش بزرگی از ناگفته‌ها جزو پیام محسوب می‌شود، در معناشناسی زبان‌شناسانه در حقیقت معنای نامرئی مورد کاوش قرار می‌گیرد (پالمر، ۱۳۶۶: ۴۲). آنچه امروزه در قالب معناشناسی و دیگر موارد زبان‌شناسی و درک معنای کلام از آن یاد کرده‌اند در اندیشه‌های والای بزرگان علم و ادب از طریق همین علم معانی و مقاصد اغراض ثانوی محقق شده است و اصل و اساس آن برگرفته از بلاغت آیات قرآنی در ابتدای تدوین علم بلاغی است در آیه‌های تمثیلی - که مورد بحث ما در این گفتار است - خداوند مقصود نهایی خود را با شباهت‌های ملموس و عینی آشکار می‌سازد تا از خلال این کاربرد دست‌رسی به مقصود و معانی نهایی کلام با توجه به دیگر موارد بلاغی آسان‌تر و راحت‌تر میسر شود و با گزینش آگاهانه و بلاغت بالای

سخنوری و چاشنی ذوق و خبرگی در پروردگی معانی ثانوی کلام تمثیلی آیه‌های قرآن تأثیر به‌سزایی در روح و روان مخاطب برجای گذارد. آیه‌های تمثیلی قرآن مثل دیگر کلام‌ها یا در حیطه خبرند یا انشا. جمله خبری، جمله‌ای که قابل صدق و کذب باشد. مقصود اصلی خبر، آگاهی دادن به مخاطب و مطلع ساختن او از حکمی است چنان‌که مخاطب اطلاعی از آن نداشته باشد (فایده خبر) و گاه ابراز و اظهار گوینده است از آن چه می‌داند (لازم فایده خبر) «اما گاهی برای خبر اغراض و معانی خاصی تصوّر می‌شود که از قراین و ساختار کلام استفاده شده است» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۶۹). و این معانی ثانوی کلام و جنبه بلاغی آن است که گوینده به دلیل القای آن، ساختارهای خبری و انشایی را برای خود برمی‌گزیند در کتب معانی قدیم و جدید همچون: مختصر المعانی، جواهر البلاغه، معالم البلاغه، معانی و بیان شمیسا، معانی همایی، معانی و بیان علوی مقدم و اشرف زاده، معانی ثانوی متعددی، برای جمله‌های خبری و انشایی مطرح کرده‌اند. از این مقاصد ثانوی از واژه‌هایی با بار منفی همچون: حسرت، توبیخ، ملامت، اندوه، ضعف و واژه‌هایی با بار مثبت همچون: مدح و ستایش، تشویق، ترغیب، تفاخر و... یاد شده است. به‌طور مثال در مصراعی از حافظ «روز هجران و شب فرقت یار آخر شد» (حافظ، غزل ۱۶۶). که اغراض ثانوی کلام بار معنایی مثبت در بردارد؛ مقصود گوینده سپری شدن هجر و جدایی نیست بلکه اظهار آسودگی و پایانی خوش است. در تعریف از کلام انشایی آورده شده است: «ان الانشاء قد یطلق علی نفس الکلام الذی لیس لنسبته خارج تطابقه او لا تطابقه» (فتنازانی، ۱۴۱۰ق: ۱۲۹) و (ر. ک. رجایی، ۱۳۴۰: ۱۲۱؛ هاشمی، ۱۳۸۹: ۷۵). انشا کلامی است که مضمون و محتوای آن پدید نمی‌آید و در خارج محقق نمی‌شود مگر آنکه آن را بر زبان آوری بنابراین خواستن یک کار در فعل امر و درخواست خود داری از انجام یک امر در نهی و خواستن محبوب در تمنی و طالب فهم و دریافت مطلبی در استفهام و خواستن توجه و روی آوری مخاطب در ندا، همه اینها به وجود نمی‌آیند مگر با صیغه‌هایی که بر زبان جاری می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۹: ۸۹). در کلام انشایی نیز اغراض ثانوی کلام می‌تواند مواردی همچون: دعا، التماس، تمنا، تعجب، تهدید، اکرام، تحقیر،

جلب توجه، بشارت، فروتنی، فخر، تشویق، شادی، کراهت، استرحام و... باشد. مقاصد ثانوی کلام به آن چه در کتب بلاغی بیان شده است محدود نمی‌شود و گاه یک کلام بیش از یک مقصود و غرض نهایی در پی دارد برای رسیدن به این هدف گاه در خود کلام موارد و نشانه‌هایی موجود است که می‌تواند در القای معانی ثانوی کلام مؤثر باشد. و گاه با توجه به بافت و معنی درونی واژه‌ها می‌توان به این مهم دست یافت حال در این پژوهش برآنیم تا مواردی را برشماریم که می‌تواند ما را در نیل به مقصود و اغراض ثانوی کمک کند و بیانگر ارزش و جایگاه‌های مواردی از کلام خبری و انشایی باشد که رهنمون به غرض اصلی کلام (معانی ثانوی) است و برای این منظور از آیه‌های تمثیلی کلام الهی کمک گرفتیم. تشبیه تمثیل آیات الهی که با زبانی روشن و ملموس مواردی مختلفی از ابعاد زندگی انسان را به نمایش می‌گذارند و مثال‌هایی که آورده می‌شود به تنهایی یا در ارتباط با دیگر اجزای کلام می‌توانند معنایی متفاوت در برداشته باشند که همان معانی ثانوی کلام است «در تحلیل معنای واژگان قرآن، باید به معنای خاص آن در عرف قرآن مراجعه کرد و تنها بررسی مدلل کاربردی و معنای قاموسی برای این مقصود کافی نیست زیرا کاربردهای لغوی نمی‌توانند رساننده همه اندیشه‌ها و معانی باشند» (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۲۳۷). و باید به نظام معنایی حاکم بر آیه‌های تمثیلی و جایگاه هر واژه و جمله در کل نظام معنایی کلام تمثیلی و ارتباط هر واژه با سایر واژگان و دست‌یابی به واژه‌ای خاص در کلام، و گاه ره‌یابی به مفهومی ناب از بین همه مفاهیم یک کلام تمثیلی خارج از جهان‌بینی حاکم بر آیه‌های قرآن و نظام معنایی آن غافل نشد.

بررسی و نقد راه‌های تشخیص معانی ثانوی

در زیر به نقد و بررسی مواردی چند پرداخته می‌شود که می‌تواند گشایشگر ما در ره‌یابی به مفاهیم ثانوی در کلام خبری و انشایی باشد. شاخصه‌های راه‌یابی به معانی ثانوی کلام هم از منظر فرم یا شکل ظاهر و هم از نظر محتوا و غرض و هم از نظر مخاطب و گوینده کلام و... می‌تواند راهنمای ما باشد. لازم به ذکر است، از آنجاکه کلام تمثیلی

ممکن است از چندین جمله تشکیل شده باشد و همگی در القای معانی ثانوی مؤثر باشند در راه یابی به معانی ثانوی جمله های تمثیلی، همه لحاظ شده اند. در ادامه هر مورد برای تفهیم و توضیح بهتر مطلب از کلام شعری حافظ در القای بهتر مطلب بهره برده ایم.

جایگاه چندین معنی در کلام در القای اغراض ثانوی کلام:

گاهی جمله تداعی کننده یک معنی ثانوی نیست؛ بلکه چندین معنی ثانوی در همراهی یکدیگر مقصود را بیان می کنند که این هدفها و مقاصد ثانوی در یک جمله یا عبارت گاهی متفاوت از هم و گاهی مکمل مفهوم یکدیگرند. از آنجا که در جمله های خبری و انشایی قرینه صارفه مشخصی چون قرینه صارفه مجاز و استعاره وجود ندارد تا نشانی از معانی ثانوی باشد، گاهی چند غرض ثانوی از یک کلام استنباط می شود و سهم عظیمی در استنباط دویاچندگانه اغراض متوجه و مربوط به عدم وجود قرینه صارفه مشخص است، در آیه تمثیلی ۲۶۱ بقره می خوانیم: «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفُقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» بقره/۲۶۱)

در جمله «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفُقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» تا این جا که کلام خبر از انفاق می دهد نوعی مفهوم بشارت در آن نمایان است، اما با آوردن «كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ» این جمله که انبساط خاطر و شادی بخشی را برای مخاطب به همراه دارد مقصود ثانوی دیگری از آیه تمثیلی است که علاوه بر این که احساسات فرد را نشانه می رود و شادمانی به همراه دارد و عمل نیک انفاق را می ستاید؛ مقصود دیگر آن ترغیب بر عمل نیک انفاق در راه خداست هم چنین می تواند جلب توجه هم باشد با آوردن جمله، «حبه انبتت» و دیگر، باشکوه جلوه دادن آن و تعظیم عمل انفاق، با جمله «سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبه» آشکار است این همه معانی ثانوی برای این جمله مکمل هم و تداعی گر یک مفهوم کامل و واحد است و آن هم ترغیب و تشویق به امر انفاق که خشنودی خداوند از این عمل را در پی دارد. هر کدام از این معانی در

القای معانی نهایی ارزشمند و کامل‌کننده یکدیگر و تداعی‌کننده یک مفهوم کامل و واحدی برای آیه است و آن اینکه، بهترین عمل‌ها، عمل خیری است که پاداشی چند برابر دارد، در مجموع حس خوشایندی و امید و رجا را در ذهن خواننده به‌جا می‌گذارد.

جایگاه ارزشمندی یک اغراض ثانوی بر دیگر غرض‌ها

گاهی ممکن است کلام، دارای چندین معانی ثانوی باشد و هر کدام ارزشمند باشند؛ اما یکی بر دیگری برتری بیشتری دارد بنابر دلایلی که در سیاق نظم جمله‌ها وجود دارد و بدون دلیل نمی‌توان یکی را بر دیگری موارد برگزید. آیه در آیه ۱۲ حجرات می‌خوانیم: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲).

بارزترین معانی ثانوی آن دوری و پرهیز است چنان‌که از واژه «اجْتَنِبُوا» فعل امر که در ابتدای کلام آمده است و با توجه به اول آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا» همزمان تداعی‌کننده اغراضی همچون جلب توجه، آگاهی دادن، ارشاد و راهنمایی ترغیب به امری پسندیده یا نهی از امری ناپسند باشد اما با توجه به ادامه آیه «كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ... آشکار است که غرض ثانوی دوری و پرهیز از امری ناپسند است و با دقت به مفهوم جمله‌های بعد که تأکید بر روی جمله سؤالی «أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» است در این جمله پرسشی که پرسش‌گر، در اینجا خداوند است نمی‌پرسد تا بداند بلکه هدف اصلی، که غرض ثانوی و اصلی کلام تمثیلی، همان دوری و پرهیز است که بر دیگر اغراض برتری دارد. جمله‌های پرسشی همچون جمله اخیر، تا زمانی که به قصد درک مجهول به‌کار رود در معنای حقیقی خود به‌کار رفته است و در صورتی که گوینده انتظار شنیدن پاسخ از مخاطب نداشته باشد در معانی ثانوی خود به‌کار گرفته شده است. «این نوع پرسش را پرسش بلاغی یا هنری یا ادبی یا استفهام مجازی یا استفهام در معنی ثانوی خود می‌نامند» (ر.ک. کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰۶) پرسش چه در معنی حقیقی و چه در معنی

ثانوی در ایجاد ارتباط با مخاطب بسیار مؤثر است؛ زیرا جملات پرسشی، مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار می‌دهند و او را در گفت و گو سهیم می‌کنند تا هشدار اصلی کلام را به او نشان دهند. همچنین علت دیگری که می‌تواند بدلیلی تأکید بر معانی ثانوی در این کلام پرسشی باشد این‌که «اگر ادات استفهام در مقامی استعمال شوند که متکلم جاهل به مورد سؤال است آنها در معنی حقیقی خود به کار رفته‌اند و اگر در مقامی به کار روند که گوینده عالم بر مسئول‌عنه (مورد سؤال) باشد مجاز مرسل یا کنایه می‌باشد کنایه از باب ذکر ملزوم و اراده لازم و مجاز از باب ذکر لازم و اراده ملزوم (ر.ک. آیین بلاغت، ج ۲: ۲۸۳-۲۸۲). در اینجا که جمله سؤالی در معنی حقیقی خود به کار نرفته، سؤال از نوع تحقیق و تثبیت است و خداوند با سؤال از مخاطب خود می‌خواهد دانسته و علم خود را تثبیت کند و از او اقرار به درستی گفته خود بگیرد. که غرض اصلی کلام هم در همین جا نهفته است.

جایگاه مفهوم کلام در القای معانی ثانوی کلام:

مقصود اصلی (معنی ثانوی) کلام با مفهوم کلام می‌تواند ارتباط مستقیم وجود داشته باشد به گونه‌ای که اگر صورت تأویل شده یعنی همان غرض ثانوی قرار گیرد درسیاق صحیح کلام اشکالی ایجاد نشده است. «بسیاری از صاحب نظران برآنند که معنی را باید در یافت و کاربرد شناخت» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۷۴). و این برداشت می‌تواند تابع روح متکلم یا روح مخاطب باشد یا هر دوی آنها و آنچه به مقتضای حال برگردد» (دیباچی، ۱۳۹۱: ۵۸۰).

در آیه ۴۰ اعراف آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَأَنفُتَحُّ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ» (اعراف/۴۰). جمله «حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» مقصود ثانوی این خبر تمثیلی تأکید بر امری غیر ممکن است که در جهت تداعی کل جمله استفاده شده است در اصل این خبر این گونه تأویل می‌شود حتی لایلیج الجمل فی سم الخیاط (تا این‌که شتر در سوراخ سوزن وارد نشود). در این جا «چون مقصود محال بودن ورود کفار به

بهشت است معنی شتر و عبور شتر از سوراخ سوزن مناسب‌تر است، معانی لغوی جمل را به طناب محکم و کلفت کشتی هم معنی کرده‌اند (تفسیر مجمع‌البیان، ج ۳: ۶۴) با این تفسیر ورود کافران به بهشت تعلیق بر امری محال دانسته شده و این تعلیق بر محال کنایه از آن است که چنین امری محقق نمی‌شود و باید همیشه از آن مأیوس باشند (ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۸: ۱۴۴). در تفاسیر مختلف هم، دلیل بر امری غیرممکن را بیان داشته‌اند.

گیرنده (مخاطب) کلام در معنی ثانوی کلام می‌تواند مؤثر باشد.

این که گوینده دریابد مخاطب کلامش عموم جامعه است یا طبقه‌ای خاص، مقتضای کلام را رعایت کرده است و توجه به مقتضای کلام در این مورد خود در بیان معانی ثانوی کلام تأثیر چشم‌گیری دارد. جایگاه مخاطب و ارتباط معنی‌ثانوی جمله، نقش مهمی در انتقال اندیشه‌های گوینده و دریافت آن از طرف دریافت‌کننده دارد از شاخص‌های کیفی در القای معانی ثانوی کلام شناخت مخاطب و شخصیت وی و بر اساس آن سخن گفتن است که تأثیر بیشتر کلام به دنبال دارد معانی ثانوی کلام کارکرد هنری جمله و تأثیرگذاری آن در برقراری و تحکیم ارتباط متکلم و مخاطب است به عبارت دیگر تأثیرگذاری بر مخاطب و تقویت ارتباط با او از طریق مقاصد ثانوی کلام میسر می‌شود. ارتباط میان اغراض ثانوی جمله و جایگاه مخاطب، نقش مهمی در انتقال اندیشه‌های گوینده و دریافت آن دارد کیفیت حضور مخاطب که به نوعی بیانگر پویایی متن است از شاخصه‌های مهم در درک معانی ثانوی کلام و امری ضروری و روشن است. خداوند در کلام تمثیلی خود همیشه جایگاه مخاطب که ارتباط مستقیمی با مقاصد ثانوی جمله دارد در نظر داشته‌است و در خطاب با کافران، از مقصودهایی چون ملامت و نکوهش، تحقیر، توبیخ و تنبیه استفاده کرده است؛ در آیه ۱۶ بقره آمده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» (بقره ۱۶) خریدن گمراهی به جای هدایت خطابی ملامت‌گونه و تحقیری است که خداوند در القای معانی ثانوی خود در نظر داشته‌است. یا در جایی که مخاطب کلام مؤمنان هستند از تکریم و پاسداشت و تعظیم آنها در معانی ثانوی غافل نبوده است. در آیه ۲۵۶ بقره آمده است:

«وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اِتِّعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۵۶) که از انفاق کنندگان یاد می‌کند عمل آنان را به بوستانی که باران رحمتش را بر آن می‌بارد تشبیه می‌کند و اغراض ثانوی کلام همان خوشی و شادابی و ستودگیست که از عمل نیک مخاطب که مومنان هستند به خود آنان می‌رسد.

این که مخاطب خاص یا عام باشد و محوریت آن در کلام، در القای معانی ثانوی مؤثر است شناخت جایگاه مخاطب خاص یا عام بودن با مقاصد ثانوی جمله ارتباط مستقیمی دارد. ذکر این نکته نیز خالی از ظرافت نیست که سهمی و لوناچیز از دریافت غرض خاص از اغراض ثانوی متعلق به حال و هوای و غرض خواننده یا شنونده دارد. جایگاه کلمه یا جمله‌ای که می‌تواند به عنوان نشانه در القای معانی ثانوی کلام مؤثر باشد: گاهی در عبارت متن نشانه‌هایی است که در نقش قرینه معنای ثانوی جمله آشکار می‌شود. نشانه چیزی است برای نشان دادن چیز دیگر؛ به عبارت دیگر نشانه دارای تطابق و یکسانی ویژگی‌های یک چیز و مرجعش می‌باشد زبان نظامی از نشانه‌هاست که بیانگر مفاهیم هستند (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۶: ۷ به نقل از سوسور: ۱۵). تعریف شاخصه‌ها و نشانه‌هایی که بتواند اغراضی را از هم تفکیک کند غیرممکن نیست و این تلاش برای بازشناساندن اغراض ثانوی بسیار ضروریست و باید صورت‌پذیرد. این بیان در جمله‌های تمثیلی قرآن که گاه چندین جمله بر روی هم یک مفهوم واحد را می‌رساند کاملاً آشکار است و با شناخت نشانه، معانی ثانوی درست و دقیق متن را می‌توان دریافت «با توجه به این که مقاصد ثانوی جمله‌ها به نوعی کاربرد مفاهیم مجازی است و هرکاربردی مجازی قرینه‌ای دارد که دلالت بر معنی غیرحقیقی از سوی گوینده دارد اغراض ثانوی جمله‌ها هم نشانه‌هایی دارد که ذهن مخاطب را به دریافت درستی از مقصود گوینده نزدیک می‌کند که نوع و انواع جمله‌های قبل و بعد و یا کاربرد واژگانی خاص که میتواند دلیلی متقن بر مفهوم و معنای ثانوی در جمله و مقصود نهایی گوینده باشد.

در جمله تمثیلی آیه ۱۷۶ اعراف می‌خوانیم: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف/۱۷۶).

جمله «وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ» «او به زمین دنیا گرایید» اخلد از ماده اخلاد به معنی سکونت دائمی در یک جا اختیار کردن و اخلد الی الارض برای همیشه به زمین چسبید که «کنایه از جهان ماده و زرق و برق لذات نامشروع زندگی مادی است» (تفسیر نمونه، ج ۷: ۹۳ و ترجمه تفسیر الامیزان، ج ۸: ۴۳۴). قرینه جمله تمثیلی برای رهیابی به معنی و مقصود ثانوی کلام تمثیلی است بدون در نظر گرفتن کلمه ارض که مراد «از آن مسائل حقیر مادی و دنیوی است» (تفسیر نور، ج ۳: ۲۲۱). معانی ثانوی حاکم بر کل جمله اظهار ندامت و ملامت است. اما با قرینه قرار دادن ارض و مراد از آن که مطرح شد نوعی پستی و رذالت و ضعف و ناتوانی به ذهن متبادر می‌نماید. وجود چنین واژه‌هایی دال بر غرض ثانوی قراین آشکارتری در جهت دریافت درست و کامل آن در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. در آیه ۱۰ نساء می‌خوانیم:

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالِ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (نساء/۱۰) واژه «فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» قرینه شاخصی است در جهت القای مقصود ثانوی جمله خبری تمثیلی یعنی سوزندگی، گرما و ترس ناشی از آن است و این‌گونه رهیابی به اغراض ثانوی جمله، حاکی از نظم خاصی است که در چیدمان و هم‌نشینی واژه‌ها برای درک بهتر معنی و مقصود کلام دیده می‌شود که جرجانی از آن به عنوان نظریه نظم یاد می‌کند. فصاحت و بلاغت کلام منوط به نظم حاکم بین واژگان و شناخت کلید واژه‌هایی که رهنمون مخاطب در دستیابی به مقصود نهایی کلام است در علم زبان شناسی جدید نظم جمله و عبارت‌ها را در قالب انسجام متن از آن یاد کرده‌اند (ر.ک. هالیدی و حسن نظریه انسجام متن). در آیه بالا، بیان واژه نار (آتش) خود مقتضای حال شنونده دوره جاهلیست که برپایی آتش از ضروریات زندگیشان بود.

در بیت:

جایگاه مؤثر سخن گفتن در القای معانی ثانوی کلام:

تأثیر کلام و نفوذپذیری آن از اهم اصول بلاغت است سخن را به گونه‌ای باید بیان کرد که مؤثر باشد « بحث از معانی ثانوی جمله‌ای که به مقتضای حال مخاطب ایراد شده باشند مراد ما این است که در مخاطب مؤثر افتاده باشد» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۴۲). گوینده هر چه از امکانات بیانی برای تأثیر بیشتر کلام استفاده کند نفوذ پذیری آن بیشتر خواهد بود. استفاده از صناعات بدیعی و بیانی تأثیر چشمگیری در القای معانی ثانوی عبارت، بویژه در عبارات‌های تمثیلی یکی از این موارد است و اگر در کلام الهی نمونه‌هایی از تمثیل و تشبیه دیده می‌شود از این جهت است. نحوه بیان در موقعیت خاص از تأثیر گذاری کلام و در القای بیان معانی ثانوی کلام مؤثر است.

در عبارت تمثیلی «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه/۵).

در این عبارت نفوذپذیری کلام از تشبیه و تمثیلی است که در ذکر شده است «مثل الاغی که کتاب حمل می‌کند». مخاطب آگاه، با این تشبیه، دریافت سخن می‌کند و از آن متوجه می‌شود که هدف بیان معانی ثانوی آن و همان بی‌نتیجه بودن و عمل نداشتن است. لفظ حمار و به کار بردن آن برای بی‌عملان به احکام الهی، لفظی رسمی و محترمانه نمی‌باشد و اثر و نفوذ پذیری کلام از همین واژه در رابطه با عمل بی‌نتیجه آنان واضح است.

یا در عبارت تمثیلی: «صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (بقره/۱۸) تأثیرپذیری «صُمٌّ وَبُكْمٌ وَ عُمَىٰ» که به طور موجز و خلاصه بیان شده است چندان در مخاطب تأثیر گذار است که هزاران جمله از عهده آن بر نمی‌آید کوری، کری، کنگی در ظاهر و تصور انسانی با این شرایط در باطن در اغراض ثانوی کلام که همان عدم شناخت و دوری از نعمت است، بسیار مؤثر افتاده است. واژه صُمٌّ وَبُكْمٌ وَ عُمَىٰ که نقصی در وجود آدمی را می‌رساند، در خطاب با کسانی که انکار آیات دارند هم‌خوانی زیاد دارد چنان که در تفسیر این آیه هم

می خوانیم «کسی که از عطایای الهی در راه حق بهره نگیرد همانند کسی است که فاقد آن نعمت است» (تفسیر نور، ج ۱: ۶۸).

جایگاه موضوع کلام در القای معانی ثانوی کلام امری ناگسستنی است

«نوشتن به مقتضای موضوع» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۴۰) تأثیر زیادی در بیان و القای معانی ثانوی در ذهن مخاطب دارد گوینده و نویسنده‌ای که در نوشتن، مقتضای موضوع را در کنار دیگر موارد رعایت می‌کنند از بلاغت کلام برخوردار است به گفته لاکان: «آن گاه که ناخودآگاه یک متن را می‌خواند گامی به سوی فهمیدن زبان دیگری که در درون خود دارد برمی‌دارد موضوع تحلیل، دیگر نه نویسنده است و نه خواننده، بلکه کنش خواندن است» (یاوری، ۱۳۸۶: ۶۳). با توجه به این مطلب که مقاصد ثانوی جمله‌ها به نوعی کاربرد مجازی مفاهیم است. پس موضوع و بیان مفاهیم کلام در القای معانی ثانوی تاثیرشگرفی دارد و شناخت موضوع در انتقال معانی ثانوی جمله مؤثر است. در آیه‌های تمثیلی قرآن در جاهایی که موضوع کافران و عمل ناپسند آنان مدنظر است تمامی اجزا از لغت تا تشبیهات و استعارات همه در خدمت موضوع هستند تا یک تأثیر واحد، هماهنگ و یکدست را القا کنند.

در آیه تمثیلی «مَثَلُ الَّذِينَ أَخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت/۴۱)

استفاده از عنکبوت و لانه آن که موضوع اصلی این کلام تمثیلی است در القای معانی ثانوی کلام که سستی و بی‌اساسی است مؤثر واقع شده است. اشاره به عنکبوت و سست بودن خانه آن برای کسانی که غیرخدا را اولیاء قرار دهند از بلاغت بالای کلامی برخوردار است.

یا در آیه: «أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» (بقره/۱۹)

که موضوع آن ترسیم وجود کافران و غیر مؤمنان است واژه‌های ظلمت، رعد و برق، در القای موضوع بسیار مؤثرند و توجه به موضوع کشش به سمت معانی ثانوی کلام را که

همان ترس و وحشت حاصل از رعد و برق و سیاهیست برای ما میسر می‌سازد. چنین واژه‌هایی تناسب و هم‌خوانی با موضوع آیه دارند و در تأثیر کلام و القای معانی ثانوی کلام مؤثر است.

جایگاه حروف و صامت و مصوت‌های کلام در القای معانی ثانوی

همان‌گونه که کلام و واژه‌ها می‌توانند در القای معانی ثانوی مؤثر باشد، حضور صامت‌ها و مصوت‌های یکسان و هم‌مخرج و تکرار آنها در القای سخن مؤثر و بلیغ و به تبع معانی ثانوی کلام مشارکت زیادی دارند.

گاهی تکرار واج‌ها، علاوه بر زیبا کردن ظاهر اثر، در ایجاد ارتباط و ترغیب یا تحذیر مخاطب در امری خاص مؤثر واقع می‌شوند به کارگیری واج‌ها و نحوه تکرار آنها در چگونگی درک و فهم مضمون و اغراض ثانوی کلام توسط مخاطب مؤثر است. اصوات می‌توانند در کنار یکدیگر به سخن حالت خاصی بدهند و تأثیر لازم و ضروری مد نظر گوینده را در برداشته باشند. «تکرار واج‌ها و مصوت‌ها بالقوه القاگر است و ارزش آن زمانی آشکار می‌شود که اندیشه به بیان آمده با چنین تکراری تناسب و ارتباط داشته باشد» (پویان، ۱۳۹۱: ۳۹).

الف) تکرار واج:

در آیه تمثیلی: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء/۱۰۴).

تکرار واج - در هجاهای کلام و تکرار آن که بر روی هم القاگر معانی ثانوی عظمت و بلندی و رفعت است. به کار بستن چنین واکی یاریگر است تا تأثیر عظمت و بزرگی او را چند برابر کند. هم‌خوان‌های انسدادی «و، ک» سبب ایجاد هیجانی تند و تکان دهنده است و آوای واکدار «ط» به دلیل شدت و آهنگ سختی که دارد در آشکار ساختن القای معانی تأثیر دارد و القاگر انجام کاری عظیم و سترگ است.

در آیه: «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (بقره/۱۷).

استفاده بیشتر از واج «آ و ا» در کلام تمثیلی و بالا و پایین کردن این واژه‌ها به القای معانی ثانوی نوعی هشدار و تحذیر اشاره دارد که بهره‌ییزید از نوری که دوامی ندارد. در اینجا تکرار واج - به نوعی هشدار برای به هوش بودن مخاطب در مسیر زندگی می‌افزاید.

هم چنین تکرار واج - در بالای کلمه‌ها می‌تواند بیان معانی ثانوی عظمت و توانایی خالق هم نشان دهد و تأثیر آن عظمت و بزرگی را در برابر کافران چند برابر می‌کند تکرار واج م (لی) در ابتدای کلام تمثیل مثل الذین ... بر استحکام گفتار می‌افزاید و برای القای معانی ثانوی کلام در شنونده موثر است و شنونده را منتظر کلامی پندپذیر، بر حذر دارنده و تشویق شونده می‌دارد.

ب) تکرار هجا:

در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه/۵).

تکرار هجای حمل در سه نقطه از آیه تمثیلی بالا و بسامد بالای آن می‌توان گفت علاوه بر تاکید، در انتقال مفهوم و مقصود ثانوی کلام که همواری رنج بی‌فایده است مؤثر است.

واج ح در هجاهای تکراری بالا، (که حرکت سریع و بی‌صدا را می‌رساند). سبب القای این معنی تأثیر گذارتر آن شده است. همچنین، هجای بلنداً در کلمات جمله، سبب ایجاد ریتمی زیبا در کلام است و گویی خداوند با بالا و پایین کردن این واژه‌ها نوعی هشدار و تحذیر را به نمایش گذاشته است.

جایگاه موسیقی کلام در القای معانی ثانوی

گاه چینش واژگان در محور هم‌نشینی به ایجاد فضایی موسیقایی کمک می‌کنند که گوش را می‌نوازند و رابطه معنایی ویژه‌ای با آهنگ خویش دارند. به کارگیری کلمه‌ها و موسیقی خاص، متن را بسیار گیرا و دلپذیرتر می‌کند متن موزون و انتخاب واژگان با ایجاد موسیقی به انتقال معانی ثانوی کمک می‌کنند نرمی آهنگ و فخیم بودن آن در

القای اغراض ثانوی کلام سنخیت دارد ساختار آوایی کلام از رهگذر مجموعه اصوات، به گونه‌ای غیر مستقیم مفهوم مورد نظر را از لابلای کلمات سر می‌دهد. و قرآن کریم در این زمینه بی‌همتا است.

در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲) در آغاز این کلام تمثیلی موسیقی حرف «ن» در الّذین، آمَنُوا، اجْتَنِبُوا، تکرار شده که از حروف «جهری، اسنانی، لثوی، انفی» است که با خروج هوا از دهان و بینی شکل می‌گیرد و نوعی انتزاع را تداعی می‌کند این صوت و موسیقی کلامی با مفهوم آیه که پرهیز و دوری از عمل ناپسند غیبت است تناسب دارد. موسیقی مصوت بلند «آ، ای، او» در ابتدای کلام «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا» و باز ماندن دهان در حین ادای حروف سازنده آن علاوه بر بیان نوعی هشدار، یادآور حیرت و شگفتی کلام نیز هست. هم‌چنین موسیقی تکراری «آ» در ابتدای تمثیل برجستگی موضوع را آشکار و رفعت و بلندی ایمان آورندگان را می‌رساند. هم‌چنین در هر جمله «واژه‌هایی که تکیه جمله روی آن است سبب می‌شود تکیه واژه‌های بعد از بین برود که به این واژه‌ها نقطه اطلاع گویند و حاوی پیام اصلی جمله است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۱۱۸). در کلام تمثیلی ذکر شده، آهنگ کلام در همان کلمه‌های ابتدایی است که از آهنگ کلام پی به منظور گوینده که دوری و حذر است می‌بریم. علاوه بر تکیه، از روی تواتر آهنگ افتان و خیزان جمله‌ها نیز می‌توان پی به مقصود ثانوی کلام برد «چنان چه در سطح جمله در زیر و بمی تغییری حادث شود آن تغییر در زیر و بمی را آهنگ نامند یعنی ادا شدن آوای قسمتی از جمله با تواتر (فرکانس) بیشتر یا کمتر نسبت به آوای قسمت دیگر باعث می‌شود جمله با آهنگ خاصی ادا شود و مفهوم به خصوصی را ادا کند» (غلامعلی زاده، ۱۳۷۴: ۳۰۱).

با این تعابیر در جمله‌های خبری تواتر آواها در آغاز کلام و در جمله‌های امری پرسشی و تعجبی، تواتر آوای پایانی جمله‌ها بیشتر است؛ یعنی الگویی خیزان دارند و در کلام یاد شده چون کلام با جمله امری آغاز شده و اجتناب و دوری را می‌رساند از طریق

جمله‌های بعد که فرکانس جمله را دربر دارد و یادآور و مصادیق دوری و پرهیز است، که در ابتدای کلام آورده است، باز مخاطب را در معنی ثانوی کلام و مقصود گوینده یاری می‌دهد.

همچنین در آیه تمثیلی ۸ و ۹ معارج: «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ». آهنگ متن چنان بالاست که خبر از یک واقعه عظیم دارد، کلمات این متن کوتاه تمثیلی با وجود این که اشاره‌ای مستقیم به واقعه قیامت ندارند؛ اما نوع کلماتی که انتخاب شده‌اند سنگین و دلهره‌آور انتخاب شده‌اند تا علاوه بر ترسیم صحنه، گویای معنی سنگین این کلام که خود از ویژگی راه‌یابی به معانی ثانوی کلام است باشد. واژه «سما» و «جبال» و «مهمل و عهن» با ضرب‌آهنگ جناسی خود و متناسب با فضای بیان کلام، نشان از اغراض ثانوی کلام که اشاره به عظمت الهی و قدرت وی دارد و در دیگر معنا هشدار به واقعه‌ای عظیم را یادآور است.

یا در عبارت «صُمُّ بُكْمٌ وَ عُمِيٌّ»: احساس و فور صامت «م» و مصوت «ـُ» در این مصراع نه به دلیل تعداد آن، بلکه به دلیل خصلت موسیقایی آن و دوم جایگاه آن که همه در پایان کلام واقع شده‌اند و صامت «م» که از صامت‌های خیشومی غنه‌دار است، با توجه به آیه قبل، که این آیه تکمیل‌کننده آن است، رضایت نداشتن از عمل و رفتار کافران را بازگو می‌کند.

جایگاه صنایع بدیعی و بیانی در القای معانی ثانوی:

صنایع بدیعی و بیانی در کلام باعث زیبایی می‌شوند و به عنوان یک فاکتور زیبایی متن به حساب می‌آید. بحث زیبایی و زیبایی‌شناسی از زمان ارسطو باب شده است ارسطو زیبایی را «در هماهنگی اجزا و دقیق بودن» می‌داند (احمدی، ۱۳۹۱: ۶۴). هم‌چنین «زیبایی، جورآمدن و هماهنگی اعضای متشکله و کیفیت هر شیء یا هر جسم با داشتن سازش با پیرامون و ایجاد تأثیر جاذب و ستایش‌آور در انسان است» (دانشور، ۱۳۷۵: ۱۳۵).

صنایع بدیعی از جمله شیوه‌های زیبایی‌آفرینی کلام هستند و مجموعه «شگردهایی که کلام عادی را کم و بیش تبدیل به کلام ادبی می‌کند و یا کلام ادبی را به سطح والاتری

تعالی می‌بخشد» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۱). صنایع بدیعی و بیانی هر کدام به نوعی در القای معانی ثانوی کلام مؤثرند که در زیر به مواردی از آنها اشاره می‌رود:

الف) تکرار الگوی نحوی: ترفندی است بر زیبایی کلام که علمای ی بدیع بدان توجه نداشتند و در کلام شعری و نثری زیبا و برجسته است «در تکرار الگوی نحوی چون ویژگی‌های نحوی بخش دوم بخش اول را تداعی می‌کند و ذهن از این دریافت لذت می‌برد تکرار نحوی قرینه‌سازی نحوی می‌باشد و مانند هر قرینه‌سازی دیگری زیباست علاوه بر این تکرار نحوی با تاکید همراه است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۵۷). نمونه این زیبایی کلامی که باعث تداعی معانی ثانوی کلام می‌شود آیه ۳۵ سوره نور است *اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ* (نور/۳۵) که تکرار نحوی یکسان در جمله‌های اولیه آیه، یادآور نوعی تاکید بر موضوع را - از معانی ثانوی - می‌رساند و با صفات پیوسته خود هم به ذهن خواننده نزدیک می‌شود و مجسم‌کننده تصویر از این نور در ذهن است.

ب) تضاد: یکی از پیوندهای معانی میان کلمات است تضاد در بعد معنایی درحوزه بلاغت و از مقوله‌های بلاغی به حساب می‌آید.

در آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۱۲۲)

حضور واژه‌های میت، احییت و نور و ظلمت که در تضاد یکدیگرند تداعی‌گر مضمون حرکت از تاریکی و سکون به سمت روشنایی و هدایت است می‌تواند بیانگر معانی ثانوی نجات و رستگاری باشد.

یا در آیه «مِثْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ» (ابراهیم/۱۸) وجود کلمه «رماد» (خاکستر) و

«ریح فی یوم عاصف» (باد در روز طوفانی) آرایه معنوی تضاد وجود دارد با توجه به این آرایه و چگونگی خاکستر که پودری بسیار نرم و دوامی در مقابل طوفان ندارد آن هم در یک روز طوفانی که هیچ کس قادر به جمع آن نیست و اعمال کافران نیز بر باد رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۹). القاء کننده معانی ثانوی آیه تمثیلی که تباهی و نیستی اعمال است گوشزد می کند.

باز در آیه «كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» (مدثر/۵۱-۵۰) دو واژه حمر (الاغ) و قسوره (شیر) در نگاه اول تناسب می نمایند و در دید عمیق تر از آن جایی که دراز گوش وحشت عجیبی از شیر دارد و حتی موقعی که صدای شیر را می شنود چنان وحشتی بر او مستولی می شود که دیوانه وار به هر سو می دود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۲۶۳) و می تواند در این آیه تمثیلی تضاد داشته باشد و دهشت و وحشت را به ذهن القا کند که همان معانی ثانوی آیه است چنان که در تفسیر این آیه هم آمده است «تعبیری است بسیار رسا و گویا از وحشت و فرار مشرکان از آیات روح پرور قرآن» (همان)

ج) تناسب از موسیقی معنوی کلام و نشان از انسجام و همبستگی دارد «نفس آدمی به هر چیز که در آن تناسب وجود داشته باشد میل می کند و آنچه بی نظام است روی گردان و مشمئز است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۹۵).

در آیه «الْمَ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم/۲۵-۲۴) ضمن تشخیص سخن نیک به درخت نیک ریشه آن را در زمین و شاخه آن را در آسمان می داند. وجود آسمان و زمین در این آیه تمثیلی و تناسبی که ایجاد کرده است وسعت و عظمت و بزرگی را که از مقاصد ثانوی کلام است به ذهن متبادر می سازد.

جایگاه مبتدا در القای معانی ثانوی کلام

در علم بلاغت، در متن جمله هر چه نخست آید مبتدا و هر چه بعد آید خبر است حال در بسیاری از کلام از جمله تشبیه تمثیلی آیات الهی از وجود مبتدا می توان به مقصود ثانوی کلام تمثیلی دست یافت.

«ارسطو برای تأثیر بیشتر کلام (Impressiveness) از جمله پیشنهادهایی که می‌کند استفاده از جمع به جای مفرد است» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۰۹). بر این اساس در کلام، اگر مبتدا به صورت جمع آمده باشد در ابتدای امر معانی ثانوی اغراق و تأکید از آن مستفاد می‌شود مثل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در ابتدای بسیاری از کلام تمثیلی، که از این عبارت استفاده شده باشد همه مومنان و ایمان آورندگان از امری که بعد از این جمله می‌آید مبرا باشند اما از لفظ «الَّذِينَ آمَنُوا» نوعی اصرار و پافشاری و تأکید برای اثر بخشی بیشتر کلام در نیل به مقصود نهایی دیده می‌شود.

یا گاهی وجود و شروع جمله با ضمیر که هم برای تعظیم و بزرگداشت و هم خواری و حقارت به کار می‌رود واژه‌ای که بعد از آن می‌آید از جهت عظمت یا خواری، ما را در رساندن به معانی ثانوی کلام بهتر و بیشتر رهنمون می‌سازد؛ چنان که در آیه «کانهم حمر...» (گویی هم چون الاغی...) حقارت و پستی از معانی ثانوی کلام مستفاد است.

در آیه تمثیلی «تَنزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ» (قمر/۲۰) از مبتدای کلام، واژه «تنزع الناس» (برکندن مردم) که جنبه استعاری هم دارد می‌تواند به معانی ثانوی و مقصود نهایی کلام تمثیلی که نوعی تباهی و نیستی است پی برد.

واقع شدن فعل با بار منفی یا مثبت در ابتدای کلام نیز در نیل به مقصود معانی ثانوی کلام بی‌تأثیر نخواهد بود، هم‌چون فعل «تنزع» (برکندن) در مثال بالا... .

لازم است در پایان اشاره کنیم، راه‌یابی به معانی ثانوی کلام بیش از این مواردی است که در اینجا برشمردیم و با دقت و دانایی و درک بهتر از کلام، چه تمثیلی و چه غیر تمثیلی می‌توانیم به مواردی غیر از موارد برشمرده بالا دست یافت که بتواند یاریگر مخاطب در دست یافتن به معانی ثانوی باشد.

نتیجه‌گیری

مبحث معانی ثانوی خبر و انشا از مهم‌ترین بحث‌های علم معانی است و اهمیت این فن در ارائه شیوه‌های سخن به مقتضای حال مخاطب و تأثیرگذاری آن در فهم متون و گفتار بشر از گذشته‌های دور تاکنون، اهمیت و نقش آن را ضرورت می‌بخشد از مباحث

مهم و پرکاربرد علم معانی، توجه به اغراض ثانوی کلام خبری و انشایی است که در کتاب‌های بلاغی در ضمن کلام خبری و انشایی به آن پرداخته‌اند نوع و تعداد اغراض و تفاوت‌ها و تنوع آن‌ها در کلام خبری و انشایی متفاوت آورده شده است و در برگیرنده معانی با بار مثبت و منفی و پوشش دهنده احساسات آدمی است، بازتاب علم معانی و توجه به معنی در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، نقد ادبی، دستور زبان فارسی و... انعکاس و درخور اهمیت جلوه داده‌اند. به جهت اهمیت معانی ثانوی کلام و جایگاه ویژه آن در فهم معانی مجازی کلام، توجه به مواردی ضرورت می‌یابد که بر این اساس به نقد و تحلیل وجوه و جایگاه مغفول دست‌یابی به معانی ثانوی کلام بر مبنای شواهدی از آیه‌های تمثیلی قرآن پرداخته‌شد. مواردی که می‌تواند در سیاق کلام مورد توجه واقع شود تا با رویکردی تحلیلی، شاخصه‌هایی که در درک معانی ثانوی جمله مؤثرند بررسی و تبیین شود. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که برای دست‌یابی بهتر و آسان‌تر معانی ثانوی کلام در برخی موارد می‌توان به سیاق ظاهر کلام و در برخی موارد به سیاق درونی کلام و گاهی هر دو در کنار یکدیگر در القای معانی ثانوی کلام مؤثر واقع می‌شوند گاهی چندین معنی در کنار هم بیانگر اغراض ثانوی جمله‌اند و در دیگر موارد یک معنی غالب بر دیگر معانی، در حکم اغراض ثانوی کلام است. در برخی از جمله‌ها، از مخاطب کلام پی به معنی ثانوی می‌بریم و گاهی از روی متکلم و گوینده کلام. وجود صامت‌ها و مصوت‌هایی خاص و هم‌مخرج و تکرار آن‌ها نیز می‌توانند یاریگر ما در معنی ثانوی باشند. سهم موسیقی کلام هم در این زمینه نباید دست‌کم گرفت، گاه آهنگ و موسیقی کلام، در القای معانی ثانوی تأثیرگذارند. آهنگ و تکیه عوامل آوایی مشخص‌کننده پیام و مفهوم جمله‌اند آهنگ نیز جدا از تکیه نمی‌توانند نمود داشته باشند گاه جمله‌ها به صورت پرسش، گاه امر گاه نهی استفاده می‌شود که این جمله‌ها همراه با تکرار، که از ویژگی سبکی کلام الهی است در تبیین معانی ثانوی کلام مؤثر است. در برخی جمله‌ها هم، شناخت نشانه‌هایی که در نقش قرینه صارفند یاریگر ما در دست‌یابی به معانی ثانوی کلامند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*. چاپ اول، ج ۱، تهران: مرکز.
۳. پالمر، فرانک. (۱۳۶۶). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز.
۴. پویان، مجید. (۱۳۹۱). «سبک‌شناسی شعر حافظ با توجه به دیدگاه‌های موریس گرامون». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، (بهار ادب)، شماره ۳، صص ۳۵-۴۷.
۵. تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۱۰). *شرح سعد معروف به مختصر المعانی*. چاپ اول، قم: سیدالشهدا مکارم شیرازی.
۶. جرجانی، عبدالقادر. (۱۳۶۸). *دلایل الاعجاز فی القرآن*. ترجمه محمد رادمنش، مشهد: آستان قدس رضوی.
۷. جمالی، فاطمه. (۱۳۹۵). «نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشاء در علم معانی». دو فصلنامه کاربردی و نقد بلاغی، سال اول، شماره دوم، صص ۹۵-۱۱۶.
۸. دیباجی، سید ابراهیم. (۱۳۹۱). *بدایه البلاغه*. چ چهارم، تهران: سمت.
۹. رجایی، محمدخلیل. (۱۳۴۰). *معالم البلاغه در علم معانی بیان و بدیع*. شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۰. سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۸۳). *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). *موسیقی شعر*. تهران: آگه.
۱۲. ----- (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات*. چاپ اول، تهران: سخن.
۱۳. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). *معانی*. چ چهارم، تهران: میترا.
۱۴. شیرازی، احمد امین. (۱۳۹۳). *آیین بلاغت: شرح فارسی مختصر المعانی (علم معانی)*. ج ۱، چاپ پنجم، تهران: فروغ قرآن.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۷). *تفسیر المیزان*. ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۱۶. غلامعلی زاده، خسرو. (۱۳۷۴). *ساخت زبان فارسی*. تهران: احیای کتاب.

۱۷. قراءتی، محسن. (۱۳۷۴). *تفسیر نور*. ناشر: مؤسسه در راه حق، وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۸. قویمی، مهوش. (۱۳۸۳). *آوا و القا*. تهران: هرمس.
۱۹. کزازی میرجلال‌الدین. (۱۳۸۵). *معانی زیباشناسی سخن پارسی*. تهران: کتاب ماد.
۲۰. مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۶). *سیر زبان شناسی*. چاپ چهارم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۱. وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمران‌انی. (۱۳۷۹). *بدیع از دیدگاه زبان‌شناسی*. تهران: بوستان.
۲۲. _____ (۱۳۸۳). *دستور زبان فارسی (۱)*. تهران: سمت.
۲۳. هاشمی، احمد. (۱۳۸۱). *جواهرالبلاغه*. ترجمه استاد حسن عرفان، چاپ سوم، قم: نشر بلاغت.
۲۴. همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۴). *معانی و بیان*. چاپ سوم، تهران: هما.
۲۵. یاور، حورا. (۱۳۸۶). *روان کاوی و ادبیات*. چاپ دوم، تهران: سخن.